

تحلیل  
علی دزفولی



بررسی تأکیدات امام(ره) و رهبری بر مفهوم هویت ملی

# فرهنگ اسلامی، عامل اساسی استحکام «هویت ملی»

هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می دهد. این سه را نباید از نظر دور برداریم.»
اهمیت این هویت جمعی به گونه‌ای است که هر اقدامی در سیاستگذاری کلان حتی پیش از منفعت‌سنجی ابتدا باید با این هویت ملی تطبیق داده شود و چه بسا سیاستی ظاهرأ در لباس منافع ملی خود را موجه جلوه کند اما ضدید آن یا هویت ملی باعث نشود این سیاست مورد قبول نباشد. به گفته رهبر انقلاب: «هر آن چیزی که با این هویت در تعارض باشد، منافع ملی نیست، ولو ما تصور کنیم که این یک سودی است برای ملت یا منفعتی است برای ملت؛ نه، هر چه با اسلام ما، با انقلاب ما، با گذشته و سابقه تاریخی دیرینه ما، معارضه داشته باشد، جزو منافع ملی به‌حساب نمی آید.»

■ **مفهوم هویت ملی در نگاه امام و رهبری**

از نظر لغوی، مفهوم هویت ملی، با مفهوم nation در زبان لاتین اشتراک معنایی دارد؛ از همین رو نظر به‌های مختلف در خصوص مؤلفه‌های هویت‌ساز ملی با مطالعات و نظرات مطرح شده ذیل این واژه تطبیق داده می شوند. تأمل در نگرش امام(ره) و رهبر معظم انقلاب، چنین می‌نمایند که ایشان، مفهوم «ملت» را به عنوان یک واقعیت متعارف و شناخته‌شده در ادبیات جهانی به رسمیت می‌شناسند و از همین رو، نه تنها حاکمیت انقلاب اسلامی را نمی‌توان پایان دوره ملی‌گرای دانست بلکه مفهوم ملت و ملیت هیچ‌گاه قبل از انقلاب به‌اندازه‌ی که رهبران انقلاب اسلامی آن را مورد استفاده قرار دادند، مهم واقع نشده بود. آنچه در پیچ تاریخی و محتوایی انقلاب صورت گرفت، نه اساس مفهوم ملیت بلکه تغییر جایگاه و اولویت‌های عناصر سازنده هویت ملی بود. ایشان در همین راستا می‌فرمایند: «یکی از کارهای بزرگ انقلاب اسلامی همین است که یک مفهوم برای ملت تعریف کرد و بر آن پافشاری کرد؛ منافع ملی را بر اساس آن استخراج کرد و استنباط کرد و در ترمیم کرد و تصدیق کرد و دنبال کرد.»

بنیان‌گذار انقلاب به صورت قاطع تعبیر ملیت ایرانی و بهره‌گیری از آن را با این قید که از اسلام جدا نشود مورد تأکید قرار می‌دهند: «ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم، ملت، ملت ایران است. برای ملت ایران هم، همه‌چیز فدائاری می‌کنیم. اما در سایه اسلام است. نه اینکه همه‌اش ملیت و غیرت. ملیت حدودش اسلام است.»

از این روست که در اندیشه امام و رهبری ملی‌گرایی به معنای ناسیونالیسم افراطی که در شبه‌غریزگان دوران قاجار و پهلوی به وفور یافت می‌شد، پذیرفته نیست و اساساً ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی موجود را دارای تأکید خشک و صرف بر جنبه مادی و طبیعی این مفهوم می‌دانند که نه تنها نهایتاً سبب تقرب جامعه به یکدیگر نمی‌شود بلکه دردیجانسان‌ها را مقابل یکدیگر قرار خواهد داد. همان‌طور که در قرآن کریم نیز علل طبیعی و تزادی در تعریف ملت عملاً فاقد کارایی هستند و به تصریح قرآن صرف خلقت انسان در قالب نژاد و جنسیت‌ها متفاوت ایجاد شناخت است، نه گروه‌ر ه‌گرد شدن و افتراق: «یا ایها الناس! انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» (حجرات ۱۳).

به تبع این رویکرد، عناصر هویت‌ساز نیز از نگاه رهبران انقلاب بیشتر مؤلفه‌های فرهنگی هستند. در تعریف رهبر انقلاب مفهوم هویت ملی اینگونه تعریف می‌شود: «هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست.» این تعریف، واژه هویت را هم‌ارز واژه فرهنگ قرار می‌دهد و نشان از اهمیت مؤلفه فرهنگی هویت ملی دارد.

رهبر انقلاب با اشاره به سه عنصر اصلی اسلامی بودن، عمق تاریخی و انقلابی بودن، تعریف بیشتری از هویت ملی ارائه می‌دهند: «خب می‌گوییم هویت ملت ایران؛ این هویت چیست؟ هویت ملی ما چه‌چوری تعریف می‌شود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ و انقلابی؛ این

آنچه به عنوان فصل مشترک ملت در احساس هویت و شکل‌گیری حس تلاش برای پیشرفت‌آینده ضروری‌الذکر است، مفهوم ایرانیت ملت است. البته مجدداً باید این امر مورد تأکید قرار گیرد مفهوم ایرانی بودن تنها به عنوان عنصر معین و یاریگر اسلامیت برای شکل‌گیری هویت جمعی قابل پذیرش است و چه بسا آنجا که «ایرانیت» خود را مستقلاً به عنوان هویت ملی تعریف نموده و مقابل اسلامیت بایستد، نه تنها کاربرد مؤثری در تقویت هویت ملی نخواهد داشت، بلکه به تجربه تاریخ (خاصه دوران معاصر قبل انقلاب) می‌تواند عاملی برای جاسازی و تفرق ملی باشد. چنانچه امام خمینی(ره) نیز در تعریف علاقه به ایران، ملی‌گرایی صحیح را فاقد این حس تقابل می‌دانند: «ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز مقابل اسلام عرض اندام می‌کند.»

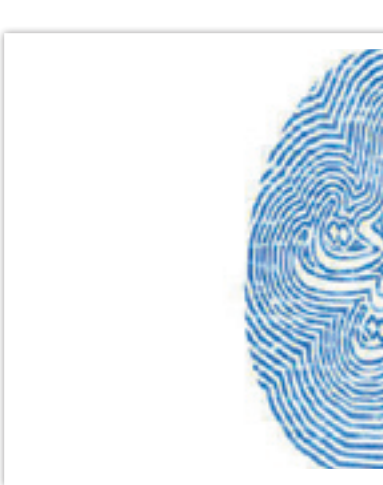
■ **عناصر طبیعی هویت‌ساز**

از آنجا که مهم‌ترین عنصر مادی تشکیل دهنده هویت، موقعیت و جغرافیای زیستی ساکنان آن است، لذا می‌توان در میان مؤلفه‌های غیرفرهنگی مؤثر در هویت، اولویت‌رابه این داد. طرفه آنجاست که این عنصر گرچه در حوزه هویت‌سازی ملی رتبه نخست را ندارد، اما به شکل افراط‌گونه نیز در ادبیات رهبران انقلاب طرد نمی‌شود. بلکه تا حدودی به عنوان عنصر مقوم هویت تأیید نیز شده است. در همین زمینه امام خمینی(ره) وطن‌دوستی را موضوعی غیرقابل تردید برمی‌شمرند و می‌فرمایند: «حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور، مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست.» البته به‌زعم ایشان بعد از ایرانیت از حیث هویت‌سازی قابل مقایسه با فرهنگ است که در آن حرفی نیست.» فرهنگ (فرهنگ اسلامی) نیست. از نظر ایشان «اسلامی بودن، بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است.»

در سیاستگذاری کلان رهبر معظم انقلاب در اسناد بالادستی نیز می‌توان نمونه‌های اهمیت ایشان به مفهوم ایران به مثابه وطن را در مرتبه پس از اسلامیت به عنوان عنصر هویت‌بخش مشاهده نمود. از جمله افزودن قید «ایرانی» به سند چشم‌انداز الگوی پیشرفت اسلامی که اخیراً تدوین شده است، نشان می‌دهد در کنار اسلامیت،



در آند پیشه امام و رهبری ملی‌گرایی به معنای ناسیونالیسم افراطی که در شبه‌غریزگان دوران قاجار و پهلوی به وفور یافت می‌شدد، پذیرفته نیست و اساساً ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی موجود را دارای تأکید خشک و صرف بر جنبه مادی و طبیعی این مفهوم می‌دانند



## اندیشه

صراط

### هویت گمشده مردم ایران



ملت ایران وجود خود را، هستی خود را در راه رسیدن به این آرمان بزرگ به میدان آورد. درحقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آنچه که دشمنان، دشمنان بنیانی این ملت همیشه می‌خواستند و دنبال می‌کرده‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت‌تر زیر بار می‌رود؛ گذشته‌ا و را انکار می‌کنند، امکانات او را انکار می‌کنند، قدرت‌های درونی و ذاتی او را انکار می‌کنند، برای اینکه بتوانند به‌راحتی آن ملت را، آن کشور را در مشقت بگیرند. این کاری بود که در دوران استحاله

فرهنگی، یعنی دوران منحوس پهلوی، در این کشور با شدت ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز در آن سال‌ها تقویت شد.

جمهوری اسلامی، جهت را ۱۸۰ درجه تغییر داد. ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشئت‌گرفته از همین هویت اسلامی است. احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما به‌خوبی انجام داده است و دارد انجام می‌دهد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم کازرون ۸۷/۲/۱۶

پیشخوان

به قلم فرزاد جهان‌بین

### باغبانی فرهنگ منتشر شد

کتاب «باغبانی فرهنگ» اثر فرزاد جهان‌بین توسط نشر نهفت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی) در ۱۲۰ صفحه منتشر شد.

از جمله مسائل مهم در عرصه فرهنگ، نسبت بین دولت و فرهنگ و مدیریت‌پذیری فرهنگ، امکان، ضرورت و چگونگی آن و حدود مداخله دولت در فرهنگ است. در پاسخ به این سؤالات، دو رویکرد رهاسازی

فرهنگ و یکسان‌سازی فرهنگ مطرح شده است. این دو رویکرد از منظر اسلامی نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد. لذا در کتاب باغبانی فرهنگ، تلاش شده است تا از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه معقول اسلامی طرح و تبیین گردد. این کتاب دارای ویژگی‌های زیر است:
با روش استنتاج فرارونده، از درون هیئت هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، اصول حاکم بر مدیریت فرهنگ استخراج شده است و بر اساس مبانی و اصول، مدل مختار رهبر معظم انقلاب (باغبانی فرهنگ) در مدیریت فرهنگ تبیین شده است. عمده آثاری که به مدیریت فرهنگ از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند، نقل بیانات معظم له به رهبر یاب‌بندی است اما در این کتاب، تلاش شده است نظام اندیشه و به عبارتی نظریه رهبر معظم انقلاب فهم و ارائه شود.

باغبانی فرهنگ، مدلی است که هم به اتکای آن، فرهنگ مدیریت می‌شود و هم آزادی‌ها و تنوع حفظ می‌گردد. از دیگر نوآوری‌های این کتاب، تعریف فرهنگ به شاکله اجتماعی است. بر طبق آیه شریفه، قل کل یعمل علی شاکلته، شاکله که مبنای عمل است به دو شاکله فردی و اجتماعی تقسیم شد. شاکله اجتماعی در بستر زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف و از تبدیل حالت به عادت و در نتیجه شاکله ایجاد می‌شود.

بر اساس تعریف فرهنگ به شاکله اجتماعی، تبیین دقیق و جامعی از عوامل فرهنگ‌ساز مطرح شد. بر این اساس، عوامل فرهنگ‌ساز مستقیم یکی از دهها عامل ایجاد فرهنگ هستند. مدیریت‌پذیری فرهنگ، ضرورت آن و حدود مداخله دولت در این مدیریت بر اساس مبانی تحلیل شد. در مدل باغبانی، دو بعد تمهید فضای زندگی مسلمان و نیز تعالی فرهنگ مطرح شد. در بعد دوم، مدل تعالی فرهنگ با ایجاد و تقویت مؤلفه‌های کلیدی در شاکله اجتماعی از طریق اقطاب اثر‌گذار و به صورت برنامه‌ریزی یکپارچه توزیع شده مطرح شد. این پژوهش که قبل از تبدیل به کتاب در سه کرسی عرضه و نقد دیدگاه علمی در مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، دانشگاه شیراز و امام صادق(ع) در معرض نقد و ارزیابی قرار گرفت و همچنین در چندین جمع سخنگانی دانشگاهی مطرح و مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است، حاصل فهم اجتهادی مؤلف از افکار رهبر معظم انقلاب و تلاش برای تبیین نگاه معقول اسلامی است. این رو از نقدها و ارزیابی‌ها استقبال می‌گردد.

دیدگاه

حجت‌الاسلام شجاعیان:

### ناسیونالیسم نه در مسیحیت بود نه اسلام

حجت‌الاسلام محمد شجاعیان عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در برنامه‌ای را دیوویی به موضوع ناسیونالیسم پرداخت. بخشی از این گفت‌وگو به صورت زیر مشروح شده است:
«در طول این قرون ایده‌هایی در قالب مدرنیته مطرح شده و آرام‌آرام در اجتماعات غربی در حوزه‌های علوم طبیعی، فلسفه و مطالعات اجتماعی و همچنین فرهنگ تمدن غربی نمایان شده است. وی اضافه کرد: تمدن غربی در درون خود آموزه‌هایی دارد که در طیف‌های مختلف فکری در اروپای آن زمان و قرون بعدی، مشترک است و توانسته است خودش را به عنوان یکی از ویژگی‌های مدرنیته در حوزه سیاست و حکمرانی و سیاستگذاری تثبیت کند. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در ادامه در گفت‌وگو با رادیو گفت‌وگو به طرح ایده‌های مدرنیته اشاره کرد و اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین ایده‌ها در این زمینه، ملی‌گرایی است که از همان ابتدای رنسانس مطرح و سپس فراگیر شد به طوری که اجتماعات غربی بر مبنای ملیت است. ملی‌گرایی یعنی شهروندان این اجتماعات، ارتباط خودشان با نظام سیاسی را بالاترین شکل ارتباط و هویت‌بخش برای خود می‌دانند.

در قرون ۱۶ و ۱۷ جنگ‌ها و نزاع‌های مذهبی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها وجود دارد و به همین دلیل آنها ارتباطات دینی را در مرحله پایین‌تری از نظام سیاسی در نظر می‌گیرند یعنی قبل از اینکه یک کاتولیک باشم یک فرانسوی هستم و بنابراین ملیت مبنای تشکیل آن اجتماع می‌شود.

دولت مدرن یعنی مردمی که در یک سرزمین خاص زندگی می‌کنند و حاکمیت و حکومت خاصی دارند اما در تفکرات دینی هم در مسیحیت و هم در اسلام چنین ایده‌ای وجود نداشته است و اساساً مبنای تشکیل دولت‌ها در اسلام ملیت نبوده است. مفهوم ملت در دین با واژه ناسیونالیسم در مدرنیته متفاوت است و به همین دلیل ملی‌گرایی را یک ایده مدرن می‌دانیم و آرام‌آرام مبنای تشکیل نظام‌های سیاسی اروپایی شد.

نگاه مدرن رویکرد خاص خود را دارد و یک نظام و ساختار متناسب با آن ایجاد می‌شود و همچنین از منظر دینی نظام و ساختار متفاوتی برای سیاستگذاری به استخدام گرفته می‌شود. در بعد و عامل انسانی در این دو حوزه نیز با یکدیگر متفاوت هستند.»



کتاب «باغبانی فرهنگ» اثر فرزاد جهان‌بین توسط نشر نهفت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی) در ۱۲۰ صفحه منتشر شد.

از جمله مسائل مهم در عرصه فرهنگ، نسبت بین دولت و فرهنگ و مدیریت‌پذیری فرهنگ، امکان، ضرورت و چگونگی آن و حدود مداخله دولت در فرهنگ است. در پاسخ به این سؤالات، دو رویکرد رهاسازی فرهنگ و یکسان‌سازی فرهنگ مطرح شده است. این دو رویکرد از منظر اسلامی نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد. لذا در کتاب باغبانی فرهنگ، تلاش شده است تا از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه معقول اسلامی طرح و تبیین گردد. این کتاب دارای ویژگی‌های زیر است:
با روش استنتاج فرارونده، از درون هیئت هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، اصول حاکم بر مدیریت فرهنگ استخراج شده است و بر اساس مبانی و اصول، مدل مختار رهبر معظم انقلاب (باغبانی فرهنگ) در مدیریت فرهنگ تبیین شده است. عمده آثاری که به مدیریت فرهنگ از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند، نقل بیانات معظم له به رهبر یاب‌بندی است اما در این کتاب، تلاش شده است نظام اندیشه و به عبارتی نظریه رهبر

معظم انقلاب فهم و ارائه شود.

باغبانی فرهنگ، مدلی است که هم به اتکای آن، فرهنگ مدیریت می‌شود و هم آزادی‌ها و تنوع حفظ می‌گردد. از دیگر نوآوری‌های این کتاب، تعریف فرهنگ به شاکله اجتماعی است. بر طبق آیه شریفه، قل کل یعمل علی شاکلته، شاکله که مبنای عمل است به دو شاکله فردی و اجتماعی تقسیم شد. شاکله اجتماعی در بستر زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف و از تبدیل حالت به عادت و در نتیجه شاکله ایجاد می‌شود.

بر اساس تعریف فرهنگ به شاکله اجتماعی، تبیین دقیق و جامعی از عوامل فرهنگ‌ساز مطرح شد. بر این اساس، عوامل فرهنگ‌ساز مستقیم یکی از دهها عامل ایجاد فرهنگ هستند. مدیریت‌پذیری فرهنگ، ضرورت آن و حدود مداخله دولت در این مدیریت بر اساس مبانی تحلیل شد. در مدل باغبانی، دو بعد تمهید فضای زندگی مسلمان و نیز تعالی فرهنگ مطرح شد. در بعد دوم، مدل تعالی فرهنگ با ایجاد و تقویت مؤلفه‌های کلیدی در شاکله اجتماعی از طریق اقطاب اثر‌گذار و به صورت برنامه‌ریزی یکپارچه توزیع شده مطرح شد. این پژوهش که قبل از تبدیل به کتاب در سه کرسی عرضه و نقد دیدگاه علمی در مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، دانشگاه شیراز و امام صادق(ع) در معرض نقد و ارزیابی قرار گرفت و همچنین در چندین جمع سخنگانی دانشگاهی مطرح و مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است، حاصل فهم اجتهادی مؤلف از افکار رهبر معظم انقلاب و تلاش برای تبیین نگاه معقول اسلامی است. این رو از نقدها و ارزیابی‌ها استقبال می‌گردد.



حجت‌الاسلام محمد شجاعیان عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در برنامه‌ای را دیوویی به موضوع ناسیونالیسم پرداخت. بخشی از این گفت‌وگو به صورت زیر مشروح شده است:
«در طول این قرون ایده‌هایی در قالب مدرنیته مطرح شده و آرام‌آرام در اجتماعات غربی در حوزه‌های علوم طبیعی، فلسفه و مطالعات اجتماعی و همچنین فرهنگ تمدن غربی نمایان شده است. وی اضافه کرد: تمدن غربی در درون خود آموزه‌هایی دارد که در طیف‌های مختلف فکری در اروپای آن زمان و قرون بعدی، مشترک است و توانسته است خودش را به عنوان یکی از ویژگی‌های مدرنیته در حوزه سیاست و حکمرانی و سیاستگذاری تثبیت کند. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در ادامه در گفت‌وگو با رادیو گفت‌وگو به طرح ایده‌های مدرنیته اشاره کرد و اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین ایده‌ها در این زمینه، ملی‌گرایی است که از همان ابتدای رنسانس مطرح و سپس فراگیر شد به طوری که اجتماعات غربی بر مبنای ملیت است. ملی‌گرایی یعنی شهروندان این اجتماعات، ارتباط خودشان با نظام سیاسی را بالاترین شکل ارتباط و هویت‌بخش برای خود می‌دانند.

در قرون ۱۶ و ۱۷ جنگ‌ها و نزاع‌های مذهبی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها وجود دارد و به همین دلیل آنها ارتباطات دینی را در مرحله پایین‌تری از نظام سیاسی در نظر می‌گیرند یعنی قبل از اینکه یک کاتولیک باشم یک فرانسوی هستم و بنابراین ملیت مبنای تشکیل آن اجتماع می‌شود.

دولت مدرن یعنی مردمی که در یک سرزمین خاص زندگی می‌کنند و حاکمیت و حکومت خاصی دارند اما در تفکرات دینی هم در مسیحیت و هم در اسلام چنین ایده‌ای وجود نداشته است و اساساً مبنای تشکیل دولت‌ها در اسلام ملیت نبوده است. مفهوم ملت در دین با واژه ناسیونالیسم در مدرنیته متفاوت است و به همین دلیل ملی‌گرایی را یک ایده مدرن می‌دانیم و آرام‌آرام مبنای تشکیل نظام‌های سیاسی اروپایی شد.

نگاه مدرن رویکرد خاص خود را دارد و یک نظام و ساختار متناسب با آن ایجاد می‌شود و همچنین از منظر دینی نظام و ساختار متفاوتی برای سیاستگذاری به استخدام گرفته می‌شود. در بعد و عامل انسانی در این دو حوزه نیز با یکدیگر متفاوت هستند.»